



نامه یک همافر به نشریه مجاہد

(قسمت آخر)

استعماگران را مینتوان بخوبی در

نخبه‌ترین مستشارهای ایرانی که خود را با آنها تطیقی شدند

حق‌نگاهی‌جاء‌معه‌د‌رض‌اطلاعات

قالیل‌داشتند

مستشارها از پیشنهادی کامل خود را با آنها تطیقی شدند

اطلاعات برخوردار بودند و جزوی از

عرضه کنند، و اگر سوداگران و

واسطه کشورهای استعمارگران نکنند

به کشورهای جهان سوم، شریانهای

اقتصادی آنها را بخود وابسته

بپیشنهادند...

کسانیکه چون مخدوهای شوم، بیان از

ترین برخانهای فرنستادگان امپرالیسم

تحکیم هرچه بیشتر ضلالات از

رشت است. اگر به علت بوجواد من

ضلالات و اعلمه عالم دشمن

می‌خواست و با خوش انسان‌دوستانه

انتظار نمود است.

اما پس از هم

مرگ و سربوب مرگ‌بیگانه‌اند، اشکار

و عربان جلوه‌گردانند. اگرچه برای

سازمان آین بخش هم از ارشت

شناخته‌اند، را بخوبی برسیل

و توهدهای ازشی آنها

آنها را از خوش دادن و پایل و تجهیز

شنان به خود خواهند بودند، در

برخوردیان را تحریره‌آزم آنها

آذینان دستورهای را بخواهند،

که اشکار خود را فیلم و آلسرا

دیدندند، را کلیه برخوردیان از

نمایانند، صدھانه‌یان را بخواهند

زیر را فروزان بخواهند که بیک

استعماگرانی که قدرت را در

برخوردیان تحریره کردند، در

می‌فرستندند. جلسات اینها

با خوشی بخواهند، را از

منظر ترتیب دادندند، نا هیچ قصور

و کوئانی در این اتفاق از اینها

دوم بیمینند که سوزینهای

تازه‌ای کش کردند، و با

دورهای از خوش دادن و پایل و تجهیز

شنان به خود خواهند بودند،

که باید از اینها می‌بینندند

و از عدم مهارت می‌بینندند

از اینها می‌بینندند...

ایران در راندنگ کفته نا دیوانگی

و همه شق برسیل، را بخواهند

است. خود خواهی و نخوت و غرور،

لاستنی، از ویکیهای نعام آنها

بودند. البته که کهکشان و

جاده‌شان را بخواهند...

از عدم انجام سلطنتیهای را

نمی‌دانندند...

شناخته‌اندند...

از عدم انجام سلطنتیهای را

نمی‌دانندند...

از عدم انجام سلطنتیهای را

یس از شعار "استرداد شاه" چه باید بگنیم؟

نون مرکانشامرا فراری داده مبارزه
درین محله جدیدی ساخته بودند و طبقاً
نهادهای این تغیر باشد تحول پایاند
که در آین طبقه معمول
حق نایابر امیرالبیرم آمریکا با
شروع تحریک شاه فوجی و فارزی
دان این او بینش این شدن نهاده این
تسلیمه کردند این که دنباله این
کن کجی آمریکا برای ما طرخ
خود رفوت خواهد شد
که خبر اینهاست
است و این
رف را که باستی با حدیثی مبتشری
پسندیدند که این از طبقه روایات
میباشد دقت هرچنان مطلع
گشتنی است که اینها که این اتفاق قرار
گرفته باشند اینها گذشتند
و ایطالی کنند که اینها در ایران
فی جاوسان آمریکا در این
بلند داغلی سا و قلعه کله، روزانه
اصحادی و سپس ما دولت تجاوز کار
کی امکان پذیراست.

توطنهای آمریکا و راه مقابله با این توطنهای

با مطلعه رویدادها و غایلتهای
سی اخیر روش نمود که آمریکا
نگرانی در مورد شرطمندی به ما
شدن در چه منزه کرد ایران
ت. تئاتر مدام ایرانیستهای
پیشکشی با تهدید اروپایی و زاهی
دغیر از شکلگیری همه‌جهانی
بدید باید این اتفاق ایران می‌گردید
بریالیستهای شنان داده‌اند که مردم
نهادهای خود را در مورد سرگوب
فیضی خواسته باشد و آن
دست دارند ما باید نسبت به این
بلطفه شمارش باشیم و آنرا ختنی
نمایم اما از هدف ایکاتنی

۱- بسیج توده‌ها

مله سختر هم پی حضور تو
من نماین لبایز توانی و قدر
نمی خواست ام این بینیم
بدروم را در جهاد مقدس
بریالیستی شرک داد؟
می خود سوال را به این شکل
فرج کرد: چونکه می توان نسروی
را کمالیه کرد و در درست
ززه اموالی و درست همت داد
باب روش و گونه است، در یک
رسانی سه هزارها... شوراهای
آزادی امداد و آنکه این
آنکه این

بر و روستا و از کارگاه و کارخانه نا
گان و سریاخانه گشته شده باشد
از راه سنگ نکت نایابر اتفاق
تری مطمئن سلان نیروی بیکران
دعا هستند. نیروی طبیعی خود (شورا
ها و وقتی در پست طبیعی خود (شورا
) قرار گیرد، و رسانیها را می‌سازد
حرماها را می‌کارد، کشور را آباد
می‌سازد، و فوجها

بربرون از خاک خود بفرستد. با این
مقدمه جواب این سوال که «چرا
آمریکا پامه کاری که در ماجراجوی
سفارت را بر او وارد نماید و خوبی دارد
خالع به ایران استناع وزیرد.
و منشی خود، از خواسته این سلطنه
از قبل هم خاک پیش بینی بوده باشد
انجفال یک نکته را باستی خاطرنشان
کنیم که عدم تسلیم آمریکا به این
خواست مردم به سیموجه از اهمیت
شمار «استرداد راه» نمی کارده و روا
ان عمار باز توجه به عمق نظریتی که
گردن مردم با از شاه دارند برای متوجه
آمریکا پارهیز آمریکا که عامل اصلی همه
جنایات دوران سیاسی سلطنت پهلوی
و بوده اند، کارکلا «اساسی می
و در همین رابطه ماهیت امپریالیسم
و خود حمافی کارانه او بر مردم آشکار
گردید.

امريکا ماند هاست. وقتی این که درگاه را از همه جا راندن خودشون کن می کرد که بک جا چون مانده و آنهم خانه ای را پنهان چون آمریکاست. سالیان سلطنت هر بار که کابویں فغانستان خلق خواه و آزاد استوارو را می آشناست ^۱ بک نام دارد و چون زی دیگان تور را می آشناست ^۲ بک نام دارد و چون زی دارد و چون زی دارد و از های که از کرجه برای خلق خانها غرفت ائمیز است. اما بر کوش خود خود خوشنگان استوره و مسیده، کابانیا و آنجا برگردید. خلق ها سوارند حکم سلطنت را دارد. از این بر اینها پنهانی داشتند. بزرده شده خلق ها را برای زی و زیاد است. بزرگ ها علیه وارد رسیده و آنها می گفتند. اما این بار، خیال عام شاهزاده را خلق خانها می زد و آمریکا را وادست که شاه را بجای سیاست پادشاهی داشد. حفظ اگام

دوسستان کا خھای ستم را به آتش می کشیم و
یران را جهنم امپریال ستسهای جهان خوار خواهیم ساخت

تاختیر، دیگر جلال هرگز با آنها تماش نمکت و شاید این را نهان نماید درست بزرگ از اختباط انتقامی برای آنان پنهانی گذاشت.

سرشکر
مجاهدین
فوکسالی
اللایههای
در دوره پیروزی اسلامی پاکستان در تعطیلات
دیگر هر
کانی را
رسانید

سید آورند رمانی را که
ظاهري، بولسلے سازمان
ادام داد. جلال با هم
عجب و وقت ناشدندانه در اين
توضحي سازمان را در اين
آنها دارد.

از اين پس جلال
جلسهای را تئی رفت و هر
نمی خواهد. او برگزانت طالمه
با ايمانی عصی و با گرد و
متلاطم ایضاً، کاهی و شامتی
سابل جامعه و سمعت مو
هزوت درود خانه ای مردی زد
که به نیمه آن رسیده و اطراوه
می آمد. در دوستان و اطراف
تجذیب فرق می گرد و با
دوستان تزیید می شد و
هرگاه آنده بر شنوی
انتقام گفت. روحانیت او
دوستانش مهم تحویل گردید
و بود. و متوشنه همینه
رفتارش فرق کرده و نایابی
او را که از محبتین
چیزی نداشت. که نیزی
باو داده بود و از روحیه
شنویت - تحرک - نظر
شجاعت و ناهمیت و فروتنی
او درس یگزیند.

در این میوهون و
اسماه مهروزون...

(علی علیه السلام)
امروز از شهیدی سقی کوش
مقتل ارسیدنی دیرینه ای بود. در زندگی
که ناگهاد و یک شهید رای اسلامی
تفقیت خواهان است. هدیه در
سلام به منابع تبلور ارزشیان مکتب،
احکام ازیزیان درجه شیوه ای انسان
ای که از همانند هزاران شهید بخوب
تفصیل دیگر خالست اما راه او باقی و
آزادی خواهد باند. مقدمه ای از او
مکتب اصلی دانست. نامی تاجیزی
دود، که او چاشش و همه وجودش را
شارش کرد. او شهید دنای شهادت
پسرخواهی برقه بزرگ سعی پنهان
آن الشیوه عقیده" و جهاد، جان زاره
دین ایشان. برگزایی ماقت داش او
فری خرد هرچند کوتاه ب زندگی او و بر
نامهای که او افریدی ای ایمانزد.
برادر شهیدمان جلال در سال
۱۳۲۴ در شهید شد. در گزنه
پاک مازنده، پیش از مادره
چشمی ای که تبریز
باو داده بود و از روحیه
شنویت - تحرک - نظر
شجاعت و ناهمیت و فروتنی
او درس یگزیند.

سازندگی جز در شرایط عمل اجتماعی امکان پذیر نیست، خلاف این عقیده ای از تجاه داشت.

اب، عقدها و اجتماعی نیست.



مدتی برای آشنازی با درد و درنج
محرومین و کارگران به کارهای رفت،
نصرهای صحبت از خستگی خود
از بد بختی و فشار بر طبقه زحمتکش

چال هرکاری را در رابطه با
اهی که دیر با نود به آن مرسید
نمی‌دانم و داد، در فعالیتی و روشی
کارگاهی تدبیر و عملی جذی آنرا
نمی‌توانم معرفی کنم. طبق این
که مدعماً بود، شفافیت، شفافیت،
شفافیت، شفافیت، شفافیت، شفافیت،

حتماً سر ساخت از خوب بیدار خواهد بود. او می خواهد بروی خوبات درونی انسان در کارش و وجودت بین او و علمند نیکه کند و هنقت است که اگر واقعاً این ورث را می خواهد چونی از نندگی خود بشارم و آورید دیگر دلیلی ندارد که مصیباً خوب بماند. اکثر برخوردهای جلال با سابل از همن موضع نظر و علاوه توحیدی ناشی می شد. جلال از اتفاقات حداکثر استفاده را می کرد. سحر خبری و طالعه و دنکر جزو خصایل با ارزش او بود که در مجمع دوستان جلس شده بودند. نظافت

روایت کناره دارد ممدو بار از آموختن آن
نمایند نبود.
نمای شهر او در پرستان داشت
زیگزگی گوچتر از آن بود که سواند
اسخنگی توان و رسانی بالغه او در
سر چشم های او بخش خلق باشد.
سرعت عمل می گرد. فقط در مدت ۳
ماه مطالعه بکر و با انتخاب
کاملاً کاملاً

راسته با دوستانه هم است از این
نمودن برای رسیدن به میانجیگان و
امان داشکارهای همراه راهنمایی
لایهای اسلامی می‌باشد. مقالات منفی
اوست. خود چوشی و تحریر مبارزاتی
جلال که قبل از اسپاپات در خودهای
هزار بروزت این امر را در سر
آنها به قاطعیت، اعلانی، مذکور شد.
املوی به قاطعیت، اعلانی، مذکور شد.

غیره جنبش سلحانه فعالیتش در
تابخانه داشتند و کوهنوردی
چشمکری بود. همواره در جریان آخرین
خبر و اعلامیه های جنبش سلحانه
پرداخت، و کلیه کسانی را که در

نیزهوا و نخادهای درویی طبقه اکاکه
ابروان و آلاکه ایدنچورلیک و صفائی
باشند، محصول حرکت اصولی و
بیرونی است. خوش بارها که همتو مود
که سازندگی جذر در جیران عمل امکان
دادار و خلاف آین، عقدهای
از جمیعی است. «نظامت اقلالی او
نهان بنود که بعضی از دوستان که با
او قرار اسماهند بظاهر ۵ دقیقه

